اطلاعات
یکشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۳ ۳ ذی‌القعده ۱۴۴۵
* ۱۲ مه ۲۰۲۴* سال نودوهشتم * شماره ۲۸۶۶۶
ettelaat.com ettelaatonline

منیر شفیق در نشست «فلسطین، مقاومت و رسانه» در موسسه اطلاعات:

دفاع تهاجمی حماس معادلات صهیونیست‌ها را برهم زد

نشست «فلسطین، مقاومت و رسانه» با حضور استاد «منیر شفیق» متفکر و نویسنده برجسته فلسطینی و همچنین کارشناسانی چون جابری انصاری، خامه‌یار، مهتدی و منتظمی در ساختمان موسسه اطلاعات برگزار شد.

عکس: مصطفی تقاضایی - اطلاعات

گزارش سیاسی

در این نشست ابعاد جنگ غزه از زوایای مختلف و دستاوردهایی که مقاومت فلسطین از یک سو و محور مقاومت در منطقه از سوی دیگر کسب کرده مورد بحث قرار گرفت.

آنچه همه میهمانان این نشست بر آن متفق‌القول بودند این بود که عملیات طوفان الاقصی طی هفت ماه گذشته، هیمنه ارتش رژیم صهیونیستی به عنوان ارتش شکست ناپذیر در خاورمیانه را شکست و در عین حال به مظلوم نمایی صهیونیست‌ها در محافل جهانی پایان داد.

سخنان جابری انصاری

حسین جابری انصاری سخنگوی پیشین وزارت امور خارجه و کارشناس مطالعات خاورمیانه و دبیر نشست، به فرازهایی از شخصیت این اندیشمند فلسطینی پرداخت.

وی گفت: استاد منیر شفیق یک شخصیت منحصربه‌فردی و یک تاریخ فکری و مبارزاتی منحصر به فردی دارد. آقای منیر شفیق از یک خانواده فلسطینی مسیحی در قدس متولد شد و سپس مارکسیست و ملحد شد (به تعبیر خودشان).

سپس از مسئولان حزب کمونیست فلسطین بود و در همان دوره ۱۰ سال زندانی شد و سپس از این مرحله بیرون می‌آید و پس از زندان به ناسیونالیسم عربی گرایش پیدا می‌کند و از آنجا وارد جنبش فتح می‌شود و یک دوره طولانی را هم در این جنبش و مجموعه‌های سازمان آزادیبخش فلسطین طی می‌کند تا جایی که سال‌ها رئیس و نایب رئیس اندیشکده سازمان آزادیبخش فلسطین، که موسسه فکری این سازمان بود، را برعهده داشت. در نهایت هم به دلیل اختلافات سیاسی و خط مشی که عرفات در روند سازش دنبال می‌کرد، از سازمان آزادیبخش فلسطین کناره‌گیری کرد.

جابری انصاری افزود: منیر شفیق قبل از انقلاب اسلامی ایران به همراه جمعی از متفکران و روشنفکران عرب در بیروت یک گعده‌ای دارند که از آن گعده، گرایش به اسلام در می‌آید. این اتفاق در آستانه انقلاب اسلامی ایران رخ می‌دهد و ایشان از الحاد به اسلام گرایش می‌کنند.

منیر شفیق روند ناسیونالیسم عربی را هم طی می‌کند و از آن پس به عنوان یک شخصیت متفکر اسلامی در جهان اسلام با آثار و تألیفات متعددی بروز پیدا می‌کند. برای منیر شفیق مسأله فلسطین همیشه در اولویت بوده و با وجود تغییراتی که در سیر زندگی‌اش به وجود آمد اما هرگز در مسأله فلسطین هیچ تغییری نیافت. ایشان بیش از فعالیت‌های سیاسی، فعالیت‌های فکری داشتند و ده‌ها کتاب تألیف و صدها مصاحبه در دوران زندگی‌اش داشته است. علاوه بر همه این ویژگی‌ها ایشان دارای فکر استراتژیک و بلند مدت بوده و ویژگی فکری و تأملی ایشان همیشه زبانزد بوده است و یک شخصیت خاص و ویژه از ایشان درست کرده است.

منیر شفیق دارای ابعاد استراتژیک در اندیشه‌اش بوده و در این خصوص بر استراتژی مقاومت متمرکز بوده است. نکته دوم اینکه ما در مقطع جدیدی از تحولات فلسطین هستیم و آنچه پس از طوفان الاقصی اتفاق افتاد در حقیقت یک جنگ برابر نیست چون فقط یک طرف دست به حمله می‌زند و این یک دوره منحصر به فرد در تاریخ مبارزات فلسطین است.

از هفت ماه قبل مردم غزه در ۳۶۴ کیلومتر مربع زمین بدون جنگل و کوهستان و جاهایی که بشود در آن پنهان شد دارند مقاومت می‌کنند. اسرائیلی‌ها در این هفت ماه خاک غزه را به توبره کشیده‌اند و هزاران فلسطینی را کشته‌اند اما نتوانسته‌اند جنگ را پایان دهند. اسرائیل در حقیقت به لحاظ معادلات استراتژیک در شرایط قفل شدگی به سر می‌برد این به تمام معنای کلمه یک مبارزه اسطوره‌ای و منحصر به فرد در تاریخ مبارزات فلسطین است و بعد از این اثراتش را بیشتر خواهد گذاشت.

نکته سوم بحث رسانه و روایت است. طوفان الاقصی یک بار دیگر به خوبی نقش ساختن و برساختن روایت را آشکار کرد. در دنیای رسانه همیشه گفته می‌شود تصویر واقعیت از خود واقعیت مهمتر است، یعنی ما یک واقعیت‌هایی داریم و تصاویری از همان واقعیت‌ها که توسط رسانه‌ها ساخته و برساخته می‌شود. جنگ غزه از آن اتفاقات تاریخی است که روایت و رسانه به درستی خودش را در طی آن نشان داد.

جنگ‌های جدید علاوه بر جنگ تسلیحاتی، جنگ روایت‌ها و تصویرسازی است و امروز پس از چند دهه اسرائیل در حضیض تصویرسازی خودش است با وجود تمامی امکانات رسانه‌ای که در اختیار دارد. استادانی مانند منیر شفیق در همین چند ماه جنگ غزه نقش بسیار مهمی در تصویرسازی درست اتفاقات غزه داشته‌اند و این موفقیتی برای ملت فلسطین است چون سبب شده تصویر واقعی از مردم فلسطین نشان داده شود و تصویر جعلی که اسرائیل سالها ساخته بود از بین برود.

عباس خامه یار

وقوع جنگ، فضایی ایده آل در راستای افزایش تقاضا برای اطلاعات ایجاد می‌کند که نیاز شهروندان را برای درک آنچه در میدان نبرد می‌گذرد و میزان خسارات و تلفات و اوضاع طرف های درگیر و چگونگی زندگی کردن مردم زیر آتش جنگ و پیامدهای آن، پاسخ می‌گوید. از این رو در رویکردهای جدید در جنگ‌ها، همان طور که به فراهم‌آوردن تسلیحات و برنامه ریزی برای جنگ توجه می‌شود، به اطلاع رسانی درباره جنگ نیز توجه می‌شود. پیروز شدن در جنگ رسانه‌ای در حکم پیروزی زودهنگام بر دشمن است. به همین علت کشورهای بزرگ برای حمایت از رسانه ها هزینه کلانی پرداخت می‌کنند. به عنوان مثال بودجه روزنامه آمریکایی واشنگتن پست به ۲ میلیارد دلار در سال می‌رسد. گفته می‌شود «رسانه‌ها هدر دهنده اموال هستند» و متاسفانه کشورهایی که ادعای دموکراسی دارند، برای سوق دادن افکار عمومی به سمت پذیرش افکار جنگ طلبانه و قتل و ترور، به رسانه ها متکی هستند. به عنوان مثال آمریکا افکار عمومی را به این سمت سوق داد که عراق دارای سلاح هسته‌ای است و سپس به همین بهانه به عراق حمله و آن را اشغال کرد، و در واقع بغداد قبل از اینکه توسط پنتاگون سقوط کند، توسط سی ان ان سقوط کرد. افغانستان نیز به همین شیوه اشغال شد. جنبش صهیونیسم نیز به رسانه ها توجه دارد به طوری که هنری فورد میلیاردر و صاحب کارخانه خودروسازی فورد و مؤلف کتاب «یهودیت جهانی» تاکید می‌کند «یهودیان هنگام ورود به آمریکای جدید، به سرعت کنترل موسسات فرهنگی به خصوص روزنامه ها را در اختیار گرفتند تا افکار عمومی را طبق برنامه ها و دروغ های خودشان شکل دهند».

رسانه های اسرائیلی

از آنجا که اسرائیل «کشوری است جعلی»، ادبیات صهیونیست‌ها تلاش دارد روایت تاریخی «فرضی» خود را که به تخیل شبیه‌تر از واقعیت است، بسازد. از این رو شهروندان اسرائیلی در دنیای دیگری سیر می‌کنند که کشورشان را «مسلط، پیروز، و صاحب پیشرفته ترین سلاح ها» و دشمنان اسرائیل اعم از عرب ها و مسلمانان و گروه های مقاومت را عقب مانده معرفی می‌کند که جرأت حمله به اسرائیل را ندارند. بنابراین وقتی عملیات شوک آور «طوفان الاقصی» روی داد و مقاومت، دستاوردهای نظامی کسب کرد، دروغ رسانه های صهیونیستی برملا و معلوم شد که به اسرائیل نفوذ شده است و ارتش و رهبران آن در غفلت به سر می‌برند. در این شرایط اسرائیل دو رویکرد را در پیش گرفت. نخست آن که تلاش کرد جنگ را در سریع ترین زمان به پایان برساند تا بر ناکامی خود سرپوش بگذارد و دوم این که راه را به روی رسانه های خارجی بست و تلاش کرد شهروندان صهیونیست را در این باور نگه دارد که «اسرائیل، شکست ناپذیر است». از این رو برای همه خبرنگاران بین المللی که اخبار جنگ در غزه را پوشش می‌دهند شرط گذاشت که نظامیان اسرائیلی آنان را هنگام پوشش اخبار جنگ همراهی کنند و ارتش، تصاویری را که خبرنگاران ضبط کرده‌اند پیش از ارسال به رسانه مدنظر، بازبینی کند.. در همان حال ارتش رژیم صهیونیستی تلاش کرد پوششی برای جنایات خود در زمینه هدف قرار دادن مناطق مسکونی و قتل کودکان و زنان و بمباران بیمارستان ها فراهم کند و به این منظور به بیانیه خاخام های یهودی متوسل شد که تاکید کردند این اقدامات، جنایت نیست بلکه بخشی از باور یهودیان و آموزه های تلمودی و برداشت‌های انحرافی و غیر اخلاقی و غیر انسانی از تورات است. همچنین به بیانیه پزشکان اسرائیلی استناد شد که انهدام بیمارستان ها را به این بهانه که آنجا میدان جنگ است، مجاز دانستند.

رسانه های غربی و طوفان الاقصی

شوک و وحشت از آنچه که در هفتم اکتبر روی داد و موجب شد حدود ۱۴۰۰ اسرائیلی در یک روز کشته شوند و بالاترین تلفات اسرائیل از زمان جنگ ششم اکتبر ۱۹۷۳ به ثبت برسد، به خوراک رسانه های غربی تبدیل شد و حتی روزنامه های آمریکایی و اسرائیلی، آنچه در جنوب سرزمین های اشغالی روی داد را به حوادث ۱۱ سپتامبر یا انفجار بندر پرل هاربر تشبیه کردند که موجب شد آمریکا وارد جنگ جهانی دوم شود. و تا جایی پیش رفتند که آنرا هولاکاست دوم نامیدند. این رسانه ها به خصوص رسانه های آمریکایی در ابتدای نبرد طوفان الاقصی برای ترویج روایت مقامات رژیم اشغالگر و مسکوت گذاشتن روایت طرف فلسطینی تلاش و اعلام کردند اسرائیل از خودش دفاع می‌کند و آنچه روی داده، صرفا تجاوزی از سوی یک سازمان تروریستی که سعی فراوان کردند آنرا نوعی «داعش فلسطینی» معرفی و القا نمایند. روایت دروغین سناریوی ماجرای سر بریدن ۴۰ نوزاد یهودی توسط حماس و انهدام بیمارستان المعمدانی توسط جهاد اسلامی در این راستا است. این رسانه ها چشم خود را به روی حقوق ملت فلسطین بستند و به جانبداری از اسرائیل برخاستند و فلسطینی ها را فاقد حقوق انسانی دانستند. آنان برای کشته شدگان اسرائیلی در عملیات طوفان الاقصی گریه و زاری کردند و آنچه را تروریسم و کشتار و قتل عام در روز هفتم اکتبر توصیف شد، محکوم کردند و عکس‌ها و ویدئوهایی از شوک و اندوه و وحشت در اسرائیل، منتشر کردند. اما همین رسانه‌ها در زمان حملات رژیم به غزه، به سخن گفتن درباره «بحران انسانی» و افزایش شمار «کشته شدگان» اکتفا کردند بدون آن که این بار به «کشتار» یا «قتل عام» یا دیگر اصطلاحاتی که رسانه های غربی ترجیح می‌دهند فقط درباره قربانیان غربی و قربانیان اسرائیلی به کار ببرند، اشاره ای کنند. پوشش اخبار جنگ رژیم صهیونیستی بر علیه مردم غزه در واقع، چیزی جز حلقه جدیدی از زنجیره جانبداری کامل از اسرائیل و ترویج دروغ های آن و همدردی کور کورانه با هر آنچه تل آویو به خورد جهانیان می‌دهد، نیست. این رفتار رسانه های غربی عجیب نیست ولی آنچه شوک آور است، میزان بالای فاصله گرفتن از رفتار حرفه ای و احترام به حقوق بشر و دیگر شعارهایی است که همواره رسانه های مشهور در برابر هر کسی به کار گرفته اند که رویکردی متفاوت از آنچه مطلوب غرب است، در پیش بگیرد. روزنامه ها و خبرگزاری ها و شبکه های ماهواره ای مثل «ای بی سی نیوز» و «ام اس ان بی سی» و «گاردین» و «بی بی سی» و «اسکای نیوز» بسیاری از کارکنان خود را صرفا به علت دفاع از آرمان فلسطین و حق ملت فلسطین برای دفاع از خود، اخراج کردند. بی بی سی رسوایی را تا جایی پیش برد که علت شهادت خبرنگار خود در جنوب لبنان توسط نظامیان صهیونیست را نادیده گرفت و از آن نام نبرد.

رسانه های عربی و نبرد طوفان الاقصی

رسانه های عربی معمولا در هر نبردی بین عرب‌ها و صهیونیست‌ها، از آرمان فلسطین حمایت کرده اند و از این نظر بین کشورهای عربی تفاوتی نبوده است. اما متاسفانه در نبرد طوفان الاقصی مشاهده می‌کنیم که رسانه های عربی بسته به کشوری که در آن قرار دارند، موضع گیری های متفاوتی داشتند.

- کشورهای نزدیک به مقاومت مثل عراق، الجزایر و سوریه به حمایت از آرمان فلسطین پرداختند و همه رسانه های خود را برای پوشش واقعیت طوفان الاقصی بسیج کردند.

- لبنان، که مهد رسانه ای است، رسانه هایش انعکاس دهنده جریان‌های حزبی و تحت تاثیر مسایل داخلی بودند و هستند ولی به طور کلی اسراییل ستیز بودند.

- اما کشورهای متمایل به عادی سازی روابط با اسرائیل، تلاش کردند این گونه القاء کنند که مقاومت فلسطین با شروع نبرد با صهیونیست‌ها دست به ماجراجویی زده است. این‌ها به شدت تحت تاثیر دشمنی حکومت های شان با جنبش اخوان المسلمین هستند و به حماس به عنوان یک دشمن نگاه می‌کردند. شبکه هایی مثل العربیه و الحدث و الاخباریه وابسته به عربستان و اسکای نیوز وابسته به امارات، (علاوه بر شبکه‌های صرف محلی، چراکه این‌ها تا حدودی جهانی به شمار می‌روند) فقط به آلام ساکنان غزه به علت جنگ و اختلاف بین تشکیلات خودگردان و گروه‌های مقاومت پرداختند و به شدت اشک تمساح برای ویرانی غزه و کشتار مردم ریختند و تا توانستند فجایع انسانی را به شکلی که حماسی ها مقصر جلوه داده شوند، برجسته کردند و افکار عمومی ملتهای عرب را نسبت به پذیرش روایت فلسطینی ها دچار تردید جدی کنند، و این وضعیت تا کنون به همین شکل ادامه دارد. به همین علت وزارت کشور وابسته به حماس فعالیت شبکه های العربیه و الحدث در نوار غزه را به علت نقش آنها در «انتشار اخبار جعلی برضد مقاومت فلسطین»، ممنوع کرد.

رسانه های مقاومت اسلامی

تریبون های مقاومت با هر نام و نشانی، تاثیر زیادی در میدان جنگ رسانه‌ای مرتبط با طوفان الاقصی داشتند. جنبش های مقاومت اسلامی در نبردهای قبلی خود با اسرائیل به پیروزی های قابل توجهی دست یافتند و رهبران مقاومت مثل سیدحسن نصرالله، اسماعیل هنیه و عبدالملک الحوثی به علت صداقت داشتن و بیان سخنانی که بر همه محافل تاثیر گذار است، از احترام زیادی در جهان برخوردار هستند. از این رو رسانه های مرتبط با مقاومت، بسیاری از واقعیت‌ها را منعکس کردند ولی موضع آنها «انفعالی» بود و با توجه به محدودیت امکانات، جذابیت لازم را نداشتند، به همین علت افکار عمومی به سراغ تریبون های رسانه ای رفتند که اخبار رویدادها را واقعی‌تر رساتر، سریعتر و هنرمندانه تر و حرفه ای ترانتقال می‌دهند. به عنوان مثال شهروندان کشورهای عربی و اسلامی بیش از آن که بیننده شبکه المنار و یا العالم باشند (به دلایل مذکور و محدودیت ها و حتی تحریم های ماهواره ای) ترجیح می‌دهند شبکه الجزیره را دنبال کنند. البته شبکه المیادین موفق تر و حرفه ای تر از دیگران ظاهر شد.

شبکه الجزیره

شبکه الجزیره قطر توانست اعتماد جامعه بین المللی به خصوص جوامع عربی و اسلامی را جلب کند و در شکل دادن به این دیدگاه در محافل جهانی سهیم بود که اسرائیل مرتکب «کشتار جمعی» می‌شود. از خبرها و تصاویر این شبکه به عنوان سند در دادگاه های بین المللی استفاده شد به طوری که اسرائیل ممنوعیت فعالیت آن را خواستار شد. همچنین گروه های مقاومت فلسطینی به شبکه الجزیره اعتماد داشتند و خبرها و مستندات درباره دستاوردهای نظامی خود را برای این شبکه می‌فرستند. این مساله موجب می‌شود که در عملکرد شبکه های «مقاومت» بازنگری شود.

رسانه های ایرانی

رسانه‌های ایرانی عموما به نبرد طوفان الاقصی پرداختند ولی پرداختن آنها در ابتدا عمدتا در سطح داخلی و همراه با زاویه هایشان با دولت بود. و به عبارتی دیگر متاثر از گرایشات سیاسی داخل کشور و رقابتهای حزبی بود که بعدها با افزایش جنایتهای رژیم صهیونیستی، تا حدود زیادی تغییر و تعدیل یافت.

شبکه های اجتماعی

انقلاب رسانه ای در فضای مجازی بی سابقه است. شبکه های اجتماعی توانستند تغییری آشکار در افکار عمومی جهانیان به نفع مسئله فلسطین و ملت فلسطین ایجاد کنند. این نوع رسانه ها، مهم ترین نقش را در انتقال واقعیت ها به مردم دارند و تاثیرگذاری آنها در بین جوانان، بسیار بالا است. همین شبکه ها به دانشجویان آمریکایی کمک کردند در حمایت از آرمان فلسطین دست به تظاهرات و اعتراض بزنند.

محمد علی مهتدی

در ادامه این نشست محمد علی مهتدی کارشناس مسائل خاورمیانه و مقاومت نیز به ایراد سخن پرداخت. وی گفت بنده این توفیق را داشته‌ام که از اواسط دهه هفتاد قرن گذشته میلادی که آقای منیر شفیق در بیروت رئیس دفتر برنامه ریزی در سازمان آزادی بخش فلسطین بود از اندیشه های ایشان استفاده می‌کردیم. بعد از پیروزی انقلاب هم ایشان پا به پای انقلاب همراهی کرد و بارها به تهران سفر کرد ما همیشه از دیدگاه‌های ایشان استفاده کرده‌ایم و الان هم حضور ایشان در اینجا را مغتنم می‌شماریم و از آقایان دکتر سیدعباس صالحی مدیرمسئول و دکتر علی رضا خانی سردبیر روزنامه اطلاعات تشکر می‌کنم که این فرصت را ایجاد کردند در خدمت این استاد بزرگوار باشیم. نکته‌ای که بنده می‌خواهم عرض کنم این است که آنچه از ۱۵ مهر سال گذشته یعنی ۷ اکتبر تا الان در فلسطین و غزه رخ داده است مسأله ساده‌ای نیست بلکه مسأله‌ای است که نه فقط منطقه بلکه معادلات جهانی را بهم می‌ریزد.

این ۳۵ هزار شهیدی که در غزه به شهادت رسیده‌اند خون اینها به هدر نرفته است. آثار این شهادت‌ها و این مقاومتی که در غزه صورت می‌گیرد بدون مبالغه از دیدگاه علمی تغییراتی در منطقه ایجاد کرده و حتی معادلات جهانی را هم تغییر خواهد داد.

مهتدی افزود: تیتروار و خلاصه به برخی نتایج مهم مقاومت در غزه اشاره می‌کنم. از هفت اکتبر که اسرائیل غافلگیر شد یک شکست بزرگ به رژیم صهیونیستی وارد شد و دستگاه اطلاعاتی اسرائیل هم دچار شکست مفتضحی شد تا الان که هفت ماه از کشتار و آدم‌کشی در غزه می‌گذرد هنوز رژیم صهیونیستی نتوانسته این شکست را جبران کند و بازدارندگی خودش را بازیابد. عملاً رژیم صهیونیستی قدرت بازدارندگی خودش را که از هفتاد سال گذشته براساس آن در همه جا جولان داده اکنون این قدرت بازدارندگی را به طور کامل از دست داده و به نظر نمی‌رسد که با توجه به معادلات کنونی بتواند این بازدارندگی را احیاء کند.

اما نکته رسانه‌ای مهم این است که با وجود اینکه رسانه های غربی به شدت حقایق جنگ غزه را کتمان و سانسور می‌کردند باز هم در عصر انفجار اطلاعات و در عصر موبایل‌های هوشمند و شبکه های مجازی و اینترنت هیچ چیز پنهان نمی‌ماند و همه چیز در داخل اتاق های شیشه‌ای اتفاق می‌افتد. اسرائیل از آغاز اشغال فلسطین تاکنون همیشه گفتمان تبلیغاتی‌اش این بود که ما بازماندگان ۶ میلیون یهودی هستیم که در کوره‌های آدم‌سوزی در آلمان نازی سوزانده شدند و ما در اینجا تنها دمکراسی در منطقه هستیم که توسط یک عده عرب وحشی محاصره شده‌ایم که می‌خواهند ما را بین ببرند. اینها در حقیقت می‌خواستند با مظلوم نمایی افکار خودشان در جهان پیش ببرند اما اکنون ورق برگشته است و ما شاهد تظاهرات میلیونی در اروپا و حتی سراسر آمریکا علیه اسرائیل هستیم.

این در حالی است که شبکه های خبری در آنجا از جمله CNN به شدت حقایق جنگ غزه را کتمان می‌کنند. با این حال می‌بینیم چهره رژیم صهیونیستی در جهان از آن چهره مظلوم تبدیل به یک چهره کریه و یک چهره کودک‌کش شده که پیش از این پنهان می‌کردند چون اینها خودشان را انسان‌های برتر و قوم برتر می‌دانستند و بقیه انسان‌ها را حیواناتی می‌دانند که به شکل انسان آفریده شده‌اند تا در خدمت آنها باشند.

این مسأله را که سالها پنهان می‌کردند اکنون آشکار شده است و همه دنیا دیدند کشتارهایی را که در غزه انجام دادند. بنابراین مهمترین سرمایه رژیم صهیونیستی در جهان غرب همین چهره مظلومش بود که اکنون این چهره برعکس شده و به نظر می‌رسد که امکان ندارد رژیم صهیونیستی بتواند در آینده آن چهره قبلی را به دست بیاورد و به نوعی آرایش کند یا تغییر دهد.

ما برای اولین بار در غرب شاهد تضاد بین ملت‌ها و رژیم‌هایی هستیم که براساس اصول دمکراتیک به روی کار آمده‌اند اما اکنون شاهد اینگونه شکاف‌ها در اروپا و آمریکا هستیم. این تحول بسیار مهمی است که در آینده رشد خواهد کرد و جا دارد که از نظر علمی مورد بررسی قرار گیرد.

مسأله دیگر اینکه ما در داخل کشور فقط کشتار در غزه را می‌بینیم و به دلسوزی بسنده می‌کنیم و این تحولات بین المللی را کمتر مورد بررسی قرار می‌دهیم. ما لازم است در دانشگاه‌ها و محافل علمی تحولات کنونی و کودک‌کشی رژیم صهیونیستی در غزه را بررسی کنیم و خود ما به عنوان جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت برای تأمل با چنین وضعیتی آماده باشیم. این نکته را اشاره کنم و آن اینکه در غرب اساتید دانشگاه‌ها که حقایق را به خوبی می‌دانند از ترس لابی صهیونیستی جرأت انتقاد از اسرائیل را نداشتند، اما اکنون آنچه برای پژوهشگران صهیونیستی هم جالب توجه است این است که در تحصن‌های دانشگاه‌های آمریکا و اروپا اساتید دانشگاه‌ها نیز در کنار دانشجویان شعارهای ضد صهیونیستی می‌دهند. یک زمان شعار آنها آتش‌بس در فلسطین بود اما اکنون شعار فلسطین را آزاد کنید سر می‌دهند. این مسأله بسیار گسترده است و نشان می‌دهد با وجودی که رسانه‌های غربی و شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای بسیار تحت فشار لابی‌های صهیونیستی و دولت‌ها تلاش کردند لاپوشانی کنند اما در افکار عمومی غرب جنایات اسرائیل آشکار شده و این موجب تعجب خود اندیشمندان صهیونیستی هم شده است.

غلامرضا منتظمی

در ادامه نشست، غلامرضا منتظمی دیپلمات و کارشناس رسانه به ایراد سخن پرداخت. وی گفت می‌خواهم در این شرایط راه‌حل پیشنهاد دهم، واقعیت این است که ما وارد یک جنگ بی‌پایان شده‌ایم که به هرحال باید یک طرف پیروز مطلق شود و طرف دیگر بازنده مطلق.

به علت اینکه ما تصویر درست از اسرائیل نداشتیم آسیب دیده‌ایم و آسیب خواهیم دید. آن تصویر این است که ما فکر می‌کنیم اسرائیل فقط در منطقه است در حالی اینگونه نیست. ارزیابی که ما داریم این است که یک دهم اسرائیل در منطقه است و ۹ دهم آن در غرب است. در حقیقت یک دهم، بحث نظامی گری اسرائیل است و آن ۹ دهم بحث رسانه و جنگ نرم. ما اگر این قضیه را به درستی بررسی نکنیم ضربه خواهیم خورد.

اسکات ریتر از مقامات اطلاعاتی آمریکا در جایی گفته بود اسرائیل مالک آمریکا، مردم آمریکا و رئیس جمهوری آمریکا است. نظام صهیونیسم بین‌المللی در این سالها چنان مقتدرانه کار کرده که وقتی موضوع مهسا امینی در ایران پیش آمد کل نظام جهانی پیش این قضیه علیه ایران صف‌آرایی کرد و ایران را محکوم کردند، اما در غزه حتی در حالی که بیمارستان‌ها را هدف قرار دادند هیچ صدایی از نظام جهانی در نیامد.

منیر شفیق

در ابتدا از جناب دکتر صالحی مدیر مسئول روزنامه اطلاعات و دیگر مهمانان تقدیر و تشکر و قدردانی می‌کنم که در این نشست حضور دارم و امیدوارم نتایج این نشست ثمر بخش باشد. فقط نکته‌ای که قبل از سخنانم می‌خواهم خدمتتان عرض کنم این است که خواهشمندم تصویری که آقای جابری انصاری و دیگر دوستان از بنده ارائه کردند کمی پایین‌تر بگیرند چون بنده را خیلی بالا برده‌اند که من فکر می‌کنم بخشی از این تصویری هستم که دوستان در این جلسه از بنده ترسیم کرده‌اند. چون در آن صورت یک حالت غرور به بنده دست می‌دهد و این غرور می‌تواند انسان را بکشد. مشکلی که در حال حاضر وجود دارد این است که ما در قلب اتفاقات کنونی بخصوص جنگ غزه هستیم و اکنون سخت است بخواهیم درباره این جنگ سخن بگوییم و قطعاً سخن گفتن درباره جنگ غزه و اهمیت و نتایج آن راحت نخواهد بود چون ما در حال حاضر با شرایطی روبرو هستیم که متغیر است. من ترجیح می‌دادم این جلسه بیشتر به سوالاتی که در اذهان شماست پاسخ داده شود و امیدوارم این مسأله در این نشست رخ دهد، اما اکنون می‌خواهم دو نکته را توضیح دهم.

بقیه در صفحه ۱۲

منیر شفیق متفکر و نویسنده برجسته فلسطینی: با یک رهبری نظامی با تدبیر و مقتدر در نوار غزه روبرو هستیم *صدها کیلومتر تونل مقاومت در غزه برتری هوایی و زمینی اسرائیل را به چالش کشید

غلامرضا منتظمی دیپلمات و کارشناس رسانه: یکی از مقامات اطلاعاتی آمریکا گفته بود اسرائیل مالک ایالات متحده، مردم و رئیس جمهوری این کشور است

محمدعلی مهتدی کارشناس مسائل خاورمیانه و مقاومت: اساتید دانشگاه‌های غربی که تا پیش از این از انتقاد از اسرائیل وحشت داشتند بعد از عملیات طوفان الاقصی شعارهای ضد اسرائیلی سر می‌دهند

حسین جابری انصاری کارشناس مطالعات خاورمیانه: جنگ‌های جدید علاوه بر جنگ تسلیحاتی جنگ روایت‌ها و تصویرسازی است

عباس خامه‌یار کارشناس فرهنگ و رسانه: اسرائیل راه را به روی رسانه‌های خارجی بست و تلاش کرد صهیونیست‌ها را در این باور نگه دارد که «اسرائیل شکست ناپذیر است»